

بررسی فلسفه نهضت عاشورا

# نگاه تک‌علتی به قیام حسینی خطاست

■ حسین محبوبی

تأمل در فلسفه و اهداف نهضت عاشورا، موضوع مهمی است که دقت در آن موجب درک بهتر شخصیت والای امام حسین(ع) و اصلاح مسیر و نگرش به عزاداری‌ها، سخنرانی‌ها، زیارت حضرت و… خواهد گردید. به گونه‌ای که عدم درک فلسفه قیام ایشان، گاه موجب شکل‌گیری قالبی خالی از مغز در مراسم‌های سوگواری و تکریم ابا عبدالله می‌گردد. در مقالاتی که پیشتر پیرامون قیام اباعبدالله الحسین(ع) و نگرش‌های انحرافی یا حاشیهای به این نهضت ارائه گردید (فلسفه انحرافی دنیاطلبی ابا عبدالله(ع)، فلسفه فناء صوفیانه امام فی‌الله، فلسفه شبه مسیحی شهادت برای شفاعت امت و…) می‌توان وجه مشترکی یافت و آن که همه آنها، نگاهی سکولار به قیام امام حسین(ع) ارائه می‌نمایند یا بی‌توجهی به ابعاد اجتماعی قیام از آن عبور می‌کنند یا نگاه سیاسی و اجتماعی حضرت را به عنوان دنیاخواهی معرفی و آن را مقابل دینداری قرار می‌دهند. اما حقیقت آن است که بعد اجتماعی و سیاسی قیام ابا عبدالله بر جسته‌ترین جنبه قیام ایشان است و هر چند تلاش‌های فراوانی برای انکار این جنبه از قیام حضرت با ذکر فلسفه‌های جنبی و انحرافی دربار ه قیام ایشان صورت می‌گیرد، اما واقعیت آن است بهترین و مطمئن‌ترین سند برای شناخت فلسفه و اهداف نهضت سیدالشهدا(ع)، کلمات خود آن حضرت تا سایر امامان(ع) در این باره است. مطالعه در روایات و سخن امام که به صورت واضح و اساسی «فلسفه قیام» را تشریح نموده‌اند، بهترین پاسخ به کسانی است که مغرضانه یا بدون غرض، برداشتهای سطحی از فلسفه قیام دارند. ■ ■ ■

■ احیای مظاهر اسلام و اصلاح وضع جامعه

زمانی که ابا عبدالله الحسین(ع) در سال‌های آخر عمر معاویه، مشرف به مکه شدند، با ایراد خطبه پرشوری ضمن تکلیف مهم علما و بزرگان شهرها را برای پاسداری از دین و معتقدات مسلمانان و عواقب خاموش ماندن مقابل جنایت‌های بنی‌امیه بیان نمودند، ساروش و دنامهی با این حکومت جانر را گناهی غیرقابل بخشش دانسته و در پایان خطبه خویش اهداف تعالیم سیاسی خود علیه حکومت ناصالح بنی‌امیه را چنین اعلام نمود: «لَإِنَّهُمُ إِتَّكَبَتْ لَهُمْ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَفُّسًا فِي سُلْطَانٍ، وَ لَا التَّمَسُّا مِنْ فَضُولِ الْخَطَامِ، وَلَكِنْ لَبَّرُوا (بُزْءٌ) الْكَلِمَاتِ مِنْ دَيْبِكَ، وَظَهَّلُوا الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، وَآمَنُوا الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَعَمَلُوا بِغَيْرِإِذْكَ وَ شَتَّكَ وَ احْتَمَكُم.» خداوندا تو می‌دانی ما آنچه انجام دادیم (علیه حکومت بنی‌امیه) بی‌سقت گرفتن در فرمان‌روایی و متاع دنیا نپوشیدن بلکه به این دلیل است که نشانه‌های دین تو را بر پای سازیم و در شهرهای اصلاح صورت دهیم. می‌خواهیم ستمدیدگان در امنیت باشند و با احکام و سنت‌الله عمل شود.

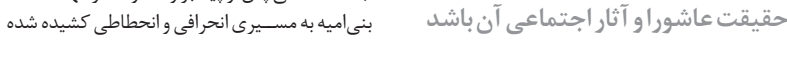
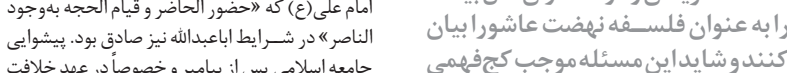
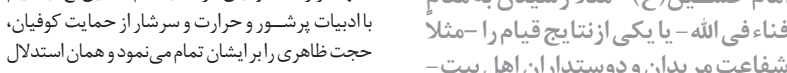
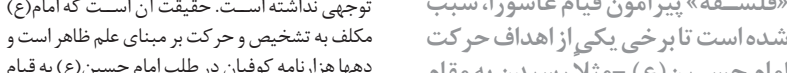
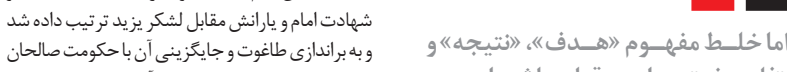
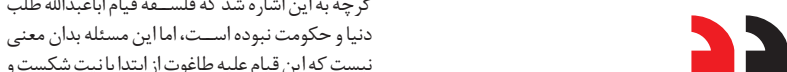
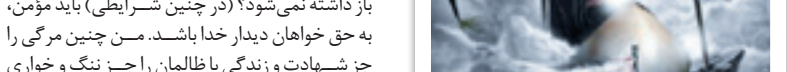
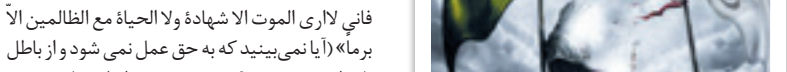
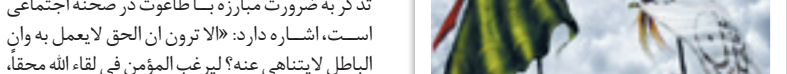
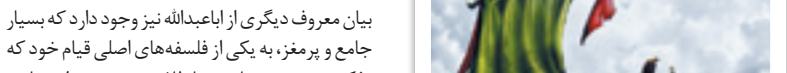
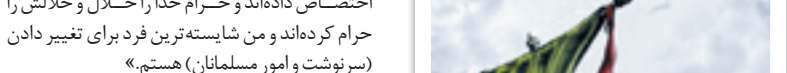
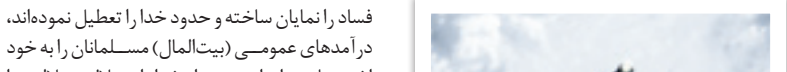
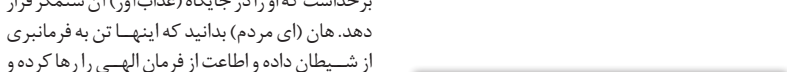
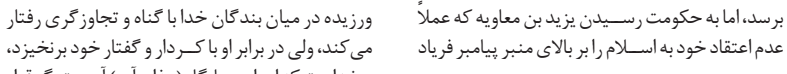
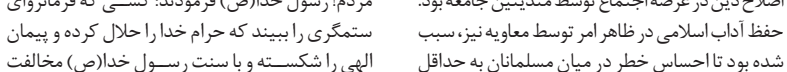
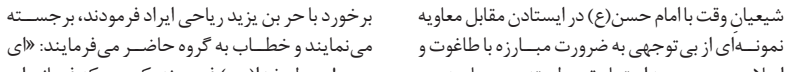
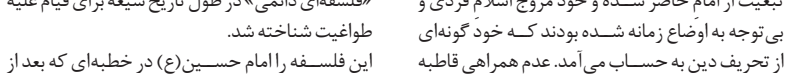
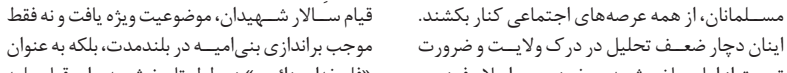
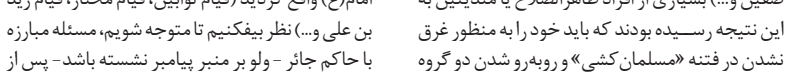
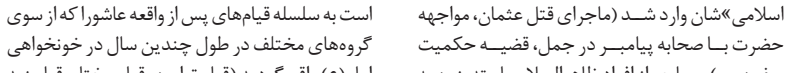
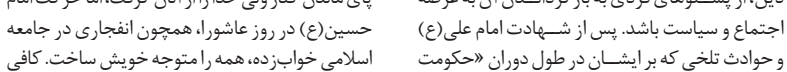
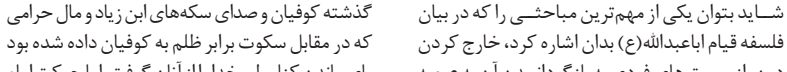
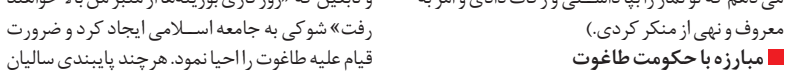
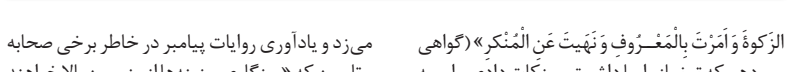
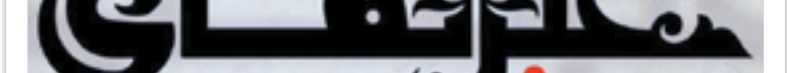
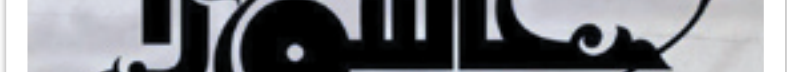
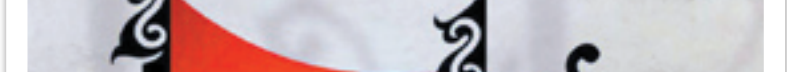
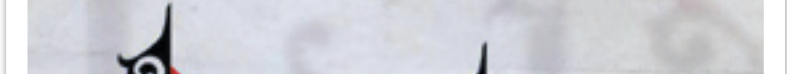
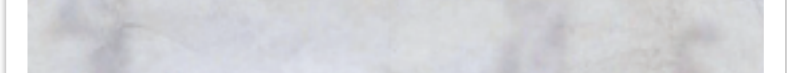
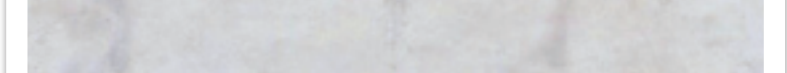
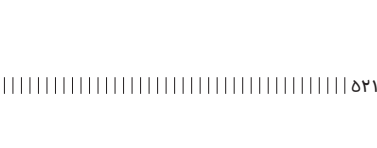
با توجه به بیانات حضرت در این خطبه، می‌توان چهار هدف برای قیام امام علیه زید را برشمرد که عبارت‌اند از: «احیای مظاهر اسلام»، «بهبودی وضع شهروندان»، «مبارزه با ستمگران اموی برای حفظ امنیت ستمدیدگان» و «فرام کردن بستر عمل به سنن الهی».

به واقع از نظر ابا عبدالله(ع) وضعیت اجتماعی مسلمانان در دوران پس از خلفا و در عهد معاویه و اکتون یزید، به مرحله‌ای رسیده است که دیگر حتی آثار و نشانه‌های اسلام در سطح جامعه در حال زوده شدن است. از این منظر، قیام ایشان را می‌توان در یک بعد قیامی «فرهنگی» دانست که هدفش بازنشانی مظاهر اسلام در سطح جامعه است و از سوی دیگر ماهیتی «اجتماعی» دارد، چراکه بهبود وضعیت شهروندان جامعه اسلامی به عنوان هدف مهم قیام برشمرده شده است.

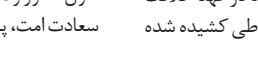
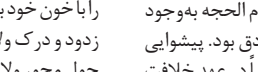
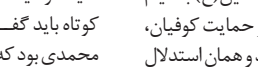
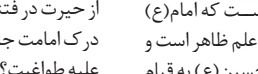
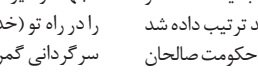
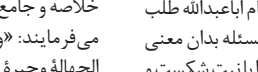
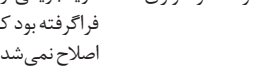
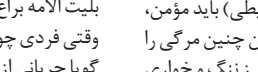
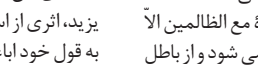
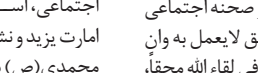
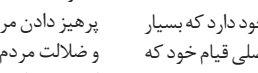
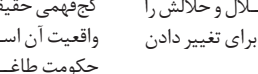
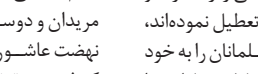
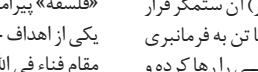
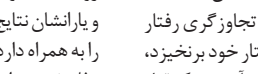
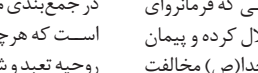
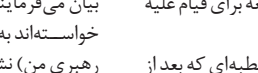
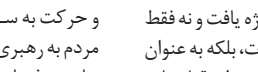
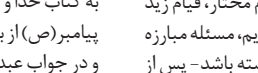
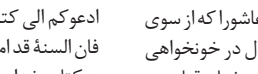
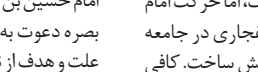
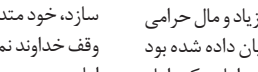
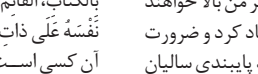
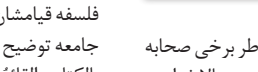
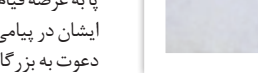
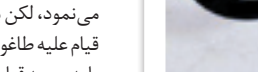
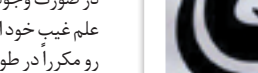
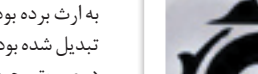
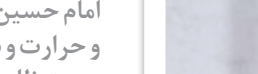
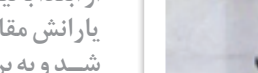
علاوه بر این همانطور که از محتوای خطبه امام قابل برداشت است، برخلاف برخی که در طول تاریخ کوشیده‌اند تا فلسفه قیام حسین بن علی(ع) را به یک حرکت سلسلانه علیه حکومت در طلب رسیدن به فرمان‌روایی جلوه دهند، ایشان اولین نکته‌ای را که درخشان فلسفه قیام خود ر نموده‌اند، همین موضوع است.

■ امر به معروف و نهی از منکر، تأکید ابا عبدالله

یکی دیگر از تأکیدات امام حسین(ع) که در طول حرکت جوادین خود به سمت کربلا، بارها از آن به عنوان فلسفه قیام یاد می‌کنند مسئله «امر به معروف و نهی از منکر» است. امام در وصیتنامه‌ای که در زمان خروج از مدینه برای محمدبن حنفیه نوشت، اینگونه هدف قیام خود مقابل یزید را در عبارتی معروف بیان نمودند: «ثُمَّ لَمْ أَخْرُجْ إِشْرَافًا وَلَا يُظْلَمًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، وَأَمَّا حُرْجَتُ طَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي مُحَمَّدٍ(ص) أَرِيدُ أَنْ أُمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسْبِرَ سِرِّهِ جَدِّي مُحَمَّدٍ(ص) وَ ابِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ(ع)»؛ من از روی سرمستی، گستاخی، تبهکاری و ستمگری از مدینه خارج نشدم، بلکه برای طلب اصلاح در امت قدم خارج شده‌ام. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم علی بن ابی طالب(ع) عمل کنم.همینطور ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «لِإِنَّهُمُ إِنِّي أَحْبَبْتُ الْمَعْرُوفَ وَ أَكْرَهُ الْمُنْكَرَ»؛ خداوندا من معروف را دوست دارم و از منکرات بیزارم. همچنین در زیارتنامه‌هایی که از معصومین برایشان وارده شده است نیز عبارت «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان هدفی که ابا عبدالله با شهادت خود موفق به اقامه آن شدند ذکر می‌شود: «شَهِدْتُ أَنْكَ فَدَأَقَفْتُ الصَّلَاةَ وَ أَتَيْتُ



## اندیشه



گرچه فلسفه قیام ابا عبدالله طلب دنیا و حکومت نبوده است، اما این مسئله بدان معنی نیست که این قیام علیه طاغوت از ابتدا با نیت شکست و شهادت امام و یارانش مقابل لشکر یزید تر تیب داده شد و به براندازی طاغوت و جایگزینی آن با حکومت صالحان توجهی نداشته است. حقیقت آن است که امام(ع) مکلف

به تشخیص و حرکت بر مبنای علم ظاهر است و دهها هزار نامه کوفیان در طلب امام حسین(ع) به قیام با ادبیات پر شور و حرارت و سرشار از حمایت کوفیان، حجت ظاهری را بر ایشان تمام می‌نمود

بود، به گونه‌ای که حکومتی که اکنون یزید از معاویه به ارث برده بود، به جای حکومت اسلامی به طاغوت تبدیل شده بود و امام حاضر، مکلف به مبارزه با طاغوت در صورت وجود نصرت‌دهنده است. به‌رغم اینکه امام، با علم غیب خود از خیانت اهل کوفه خبر داشت و از همین

رو مکرراً در طول مسیر، به‌بی‌باکشت بودن سفر اشاره می‌نمود، لکن به منظور انعام حجت و تثبیت ضرورت قیام علیه طاغوت و برپایی اسلام ناب و غیر تحریف شده، پا به عرصه قیام گذاشت.

ایشان در پیامی که زمان حضور خود در مکه، در جواب دعوت به بزرگان کوفه برای آمدن به کوفه نوشتند، فلسفه قیامشان را اینگونه با شرح وظایف امام و رهبر جامعه توضیح می‌دهند: «فَلقُمُحَرِّى مَا الِإِمَامِ الالِاحَاكُمُ بِالْكِتَابِ، الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ، الدَّالِّينَ بِدِينِ الْخَيْقِ، الْحَابِسِ نَفْسَهُ عَلٰى دَاثِ اللهِ» (به جانم سوگند، پیشوای جامعه، آن کسی است که به قرآن حکم کند، عدالت را محقق سازد، خود متدین و ملتزم به دین حق باشد و خودش را وقف خداوند نماید.)

امام حسین بن علی(ع) در نامه‌ای که ضمن آن از بزرگان بصره دعوت به همیاری و همراهی را وی کرده است، علت و هدف از نهضت خویش را چنین بیان می‌کند: «انا ادعوکم الی کتاب الله و سننه نبيه(صلی الله علیه وآله) فان السنة قد امیتت وان البدعة قد احیت» (من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش می‌خوانم. همانا سنت پیامبر(ص) از بین رفته است و بدعت زنده شده است. و در جواب عبدالله بن مطیع به علت قیام علیه یزید و حرکت به سمت کوفه با وجود مخالفت‌ها، امید مردم به رهبری ایشان را به عنوان علت حرکت خود بیان می‌فرماید: «کوفیان به من نامه نوشته و از من خواسته‌اند به نزدشان بروم، چون امبدارند(که با رهبری من نشانه‌های حق زنده و بدعت‌ها نابود شود.»

■ فرجام سخن

در جمع‌بندی مباحث بیان شده، این موضوع قابل اشاره است که هرچند قیام ابا عبدالله اهدافی چون ترویج روحیه تعبد و شهادت داشت و نیز خون گرانبهای ایشان و یارانشان نتایج و آثار مهمی از جمله شفاعت پیر وانشان را به همراه دارد، اما خلط مفهوم «هدف»، «نتیجه» و «فلسفه» پیرامون قیام عاشورا، سبب شده است تا برخی یکی از اهداف حرکت امام حسین(ع) –مثلاً رسیدن به مقام فناء فی‌الله- را به یکی از نتایج قیام –مثلاً شفاعت مریدان و دوستداران اهل بیت- را به عنوان فلسفه نهضت عاشورا بیان کنند و شاید این مسئله موجب کج‌فهمی حقیقت عاشورا و آثار اجتماعی آن باشد.

واقعیت این است که جامعه شدن خون ابا عبدالله(ع) حکومت طاغوت و ترویج سبک زندگی سکولار و برهیز دادن مردم از دخالت در سیاست و نیز کج‌فهمی و ضلالت مردم در بیشتر درست‌نسیب به مسائل اجتماعی، اسلام را به برنگاه نابودی کشانده بود که امارت یزید و نشستن او بر منبر پیامبر، نقطه آخر نهضت محمدی(ص) بود و بعید بود پس از استمرار حکومت یزید، اثری از اسلام تحریف نشده در جامعه باقی بماند. به قول خود ابا عبدالله: «و علی الاسلام السلام اذا قد بلیت الامة براغ مثل یزید» (فاتحه اسلام را باید خواند وقتی فردی چون یزید بر مسند حکومت بنشینند) و گویا جریانی که کج‌فهمی و نگرش غلط، امت اسلام را فراگرفته بود که جز با ریخته شدن خون ابا عبدالله(ع) اصلاح نمی‌شد. امام صادق(ع) در زیارت اربعین، به طور خلاصه و جامع، فلسفه نهضت حسینی را چنین بیان می‌فرماید: «وَبذل مهجته فیهک لتستقذ عبادک من الجهالة وحیرة الضلالة»، امام حسین(ع) جان خویش را در راه تو (خدا کرد تا بنا گدانت را از بی خبری و سرگردانی گمراهی نجات دهد، و کدام سرگردانی بدتر از حیرت در فتنه‌های اجتماعی و سیاسی و عدم توانایی درک امامت جامعه و ضرورت قیام حول محور امام امت علیه طاوغت؟

کوتاه باید گفت، امت(امام(ع) احیاگر بزرگ اسلام ناب محمدی بود که برداشت‌های متحجرانه و سکولار از دین را با خون خود برای همیشه از مسیر حرکت اصلی شیعه زدود و درک ولایت و ضرورت قیام و مقابله با طاغوت حول محور ولایت را به عنوان اصلی مهم برای نیل به سعادت امت، پایه نهاد.

### پیشخوان

کتاب «عرفان اسلامی در متون عالمان شیعی» منتشر شد



کتاب «عرفان اسلامی در متون عالمان شیعی» به قلم محمد فنایی اشکوری، استاد فلسفه و عرفان با همکاری دکتر اصغر نوروزی توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) منتشر شد.

به گزارش «جوان»، بی‌شک بُعد باطنی و عرفانی اسلام در آموزه‌های شیعی بسیار پررنگ است، اما این امر در متون درسی رایج در عرفان اسلامی چندان منعکس نیست. از این‌رو، در کتاب «عرفان اسلامی در متون عالمان شیعی» منتخبانی از آثار عرفای برجسته شیعه استخراج و تنظیم شده و به‌عنوان متنی مرجع و آموزشی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است تا تصویری هرچه نزدیک‌تر به واقعیت از تفکر عرفانی شیعی ارائه گردد. این کتاب

برای پاسخگویی به این نیاز تدوین شده است. در بخشی از مقدمه این اثر می‌خوانیم: در این مجموعه کوشیده‌ایم متونی را بر گزینیم که تا حدودی نشانگر دیدگاه‌های عرفای شیعی در مباحث مختلف عرفانی باشد. در عبارت دیگر، غرض ارائه مباحث عرفانی است آنگونه که در متون عالمان شیعی آمده است، نه ارائه عرفانی که مستقیماً از منابع دینی یعنی قرآن و سنت استخراج شده باشد. گرچه عارفان شیعی می‌گوشند از منابع دینی در این زمینه استفاده کنند، اما مبانی فکری هر عالم و رویکرد او در فهم و تفسیر منابع دینی بی‌اثر نیست. بدین جهت چون متون موجود از آثار نویسندگان مختلف انتخاب شده است، تنوع در سلاقی و رویکرد و سبک نگارش نیز اجتناب‌ناپذیر است. این تنوع و تفاوت گرچه از سویی ممکن است موجب قدری دشواری در مطالعه متن شود، اما از سوی دیگر خواننده را با تنوع در تفکر و ادبیات عرفانی شیعی آشنا می‌کند. باید اذعان کرد که چنین گزینش محدودی از برخی آثار عارفان شیعی هرگز نمی‌تواند منعکس‌کننده همه دیدگاه‌ها، دریافت‌ها و نشانگر سهم عظیم عالمان شیعی در تولید عرفان اسلامی باشد، اما در فقدان متون آرمانی و به عنوان نخستین گام در این زمینه می‌تواند

خلئی را پر کند و راه را برای تدوین آثاری غنی‌تر بگشاید. برای اینکه خواننده با کلیت نظام فکری عرفانی عالمان شیعی آشنا شود کوشش شده است متون برگزیده و مهم مباحث عرفانی در بعد نظری و عملی پوشش داده شود.

این کتاب در ۲۰ فصل طراحی شده است که حاوی امهات مباحث عرفانی است. این مباحث به‌طور کلی در سه قلمرو می‌گنجند: ۱. مباحث مقدماتی که به فلسفه عرفان تعلق دارند

۲. مباحث مربوط به عرفان نظری

۳. مباحث مربوط به عرفان عملی.

کتاب «عرفان اسلامی در متون عالمان شیعی» به قلم محمد فنایی اشکوری، استاد فلسفه و عرفان

با همکاری دکتر اصغر نوروزی توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در قم منتشر شده است.

### درنگ

بی‌توجهی به قاعده «نبذ» و برداشت سطحی از وی

پاسخ شهید مطهری به تفسیر رئیس‌جمهور از قرآن



به گزارش «جوان»، هفته گذشته رئیس‌جمهور با اشاره به آی‌های از سوره انفال تفسیری از آن ارائه داد که محل تأمل بود. وی گفت: «قرآن به

پیغمبر(ص) می‌گوید که «و معاملهدات فراوانی با کفار بستنی و هر دفعه هم آنان نفقش کردند. آیا پیامبر(ص) ضرر کرد؟ کسی آنجا پیدا می‌شد می‌گفت اعدو بالله پیامبر(ص) سعاد لوح بود؟ کسی که نفقش عهد می‌کند، حیثیت خود را زیر پا می‌گذارد؛ ما راه درست را انتخاب کرده‌ایم.»

حسن روحانی در توجیه مذاکرات بر جام این راه تقطیع آیات قرآن را در پیش گرفت و از میان آیات ۵۵ تا ۵۸ سوره مبار که انفال، که به مثابه یک کل منسجم است فقط یک آیه را بیرون کشیده و مطابق با همان نتیجه‌گیری کرده است. روحانی گفت: «پیغمبر با وجود آنکه

کفار فی کل مره عهدها را نقض کردند با آنها قرآن می‌فرماید در اینگونه موارد که علامت خیانت می‌شود که آقای روحانی با تقطیع ادامه این آیه شریفه که به تحریف معنوی آیات منجر شده غرض مطلوب خود را که مخالف با معنای سیاق آیات است استنتاج نموده است.

در این مجال تفسیر شهید مرتضی مطهری را بر این آیات سوره انفال از نظر می‌گذرانیم. متن زیر تفسیر شهید مطهری بر آیات ۵۵ تا ۶۰ سوره انفال است.
«چه باید کنیم؟
علی(ع) در نامه ۵۳ خطاب به مالک نوشتند: «و ان عقنذت بینک و بین عدوک عقده، و انا البسته منک ذمه، فحط عهدک بالوفا،»؛ و اگر با دشمن خودت پیمانی بستنی یا آنها را شرایط ذمه قبول کردی به پیمانست وفادار باش. «وارجع ذمتکم بالالمانه، و اجعل نفسک جنه دون ما اعطیت؛» خودت را که پیمان بستنی به امانت رعایت کن و خودت را سیر فو لی که داده‌ای قرار بده. «فانه لیس من فرائش الی شیء العتاس اشد علیه اجتماعا، مع تفرق اهوائهم، و تشتت ارئهم، من تعظیم الوفاء بالعهود»؛ که از فرائش الهی هیچ فریضه‌ای نیست که مردم با همه اختلاف سلیقه‌ها و اختلاف عقیده‌ها، در آن، به اندازه این فریضه متفق باشند و آن این است که پیمان را باید وفا کرد.»

مقاله‌های مرتبط:
\* منبع: مهر